

هنوز یک سطر هم درباره

این کتاب ننوشته اند

گفت‌وگوی علیرضا شلویری با دکتر پرویز ورجاوند

اشاره:

دکتر پرویز ورجاوند به سال ۱۳۱۳ در تهران متولد شد. تحصیلات خود را تا سطح دکترای باستانشناسی در دانشگاه سوربن فرانسه ادامه داد و سپس در ایران به سمت استادیار دانشگاه مشغول به کار شد. ایشان در طول زندگی فرهنگی خود به مطالعات و تحقیقات گسترده‌ای در حوزه‌های جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، باستانشناسی، معاری و مباحث تخصصی هنری پرداخته و کتب و مقالات بسیاری را منتشر ساخته‌اند. دکتر ورجاوند از سی سال پیش در کنار سایر فعالیتهای فرهنگی و سیاسی به تلاش و پژوهشی کم‌نظیر درباره تاریخ و فرهنگ و هنر «سرزمین قزوین» همت گماشت. نخستین نمره این پژوهش در سال ۱۳۴۹ تحت عنوان «سرزمین قزوین» از سوی انجمن آثار و مفاخر ملی منتشر گردید. و سرانجام در زمستان سال ۱۳۷۷ مجموعه بزرگ «سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین» را در سه جلد و به وسیله نشر فی منتشر ساخت. انتشار این مجموعه نظرات معتدلی را در نزد صاحب‌نظران و توده شهر برانگیخت. در این گفت‌وگو سعی بر آن بوده است تا به مسائل و مواردی که کمتر اشاره شده پرداخته شود و به بسیاری از پرسش‌های طرح شده، از نظر دکتر ورجاوند پاسخ داده شود. ضمناً اطلاعات جامعی در مورد جلد چهارم و پنجم کتاب برای نخستین بار در این گفت‌وگو مطرح گردیده است. امید که مورد استفاده محققان و خوانندگان گرامی قرار گیرد.

● همانطور که در مقدمه کتاب شرح داده‌اید نگارش کتاب سی سال به طول انجامیده است. لطفاً با اشاره به تاریخچه و نحوه کارتان در این اثر بفرمایید آیا این زمان صرفاً برای تحقیق و پژوهش بوده است یا موانع خاصی موجب طول مدت گردیده است؟

○ اگر اشتباه نکرده باشم در این باره در مقدمه کتاب توضیح داده‌ام. بخشی از این زمان صرف بررسی، پژوهش، تهیه نقشه‌ها و کند و کاو در متن‌های مختلف و کوشش برای بهره‌گرفتن از همه کتاب‌هایی که اشاره‌ای در خور درباره این شهر داشته‌اند گردید. از سوی دیگر چنانکه توضیح داده‌ام تلاش فراوانی انجام گرفت تا بتوانم به سندها و عکس‌های مختلف دسترسی پیدا کنم. زمانی که به برخی از آنها دست یافتم و ارزش و ضرورت آنرا برای انعکاس در مجموعه دریافتیم، کار به درازا کشید زیرا برای بدست آوردن یک سند یا یک عکس نیاز به سفر مجدد و گاه چند بار مراجعه و گفت‌وگو و شنود بود که در بسیاری موارد نیز سرانجامی جز ناکامی نداشت. در مورد برخی کتاب‌های خارجی نیز با مشکل مواجه بودم ولی ناامید نشدم و کوشیدم تا از اینجا و آنجا به آنها دست بیابم و از جمله چنانکه در جلد چهارم خواهد آمد، سیمای شهر قزوین را از قرن هفدهم تا نیمه اول قرن بیستم در کتاب‌های سفرنامه‌نویسان فرانسوی، آلمانی، روسی، انگلیسی و... که برخی از آنها تا به حال مورد مراجعه قرار نگرفته به تصویر بکشم.

گذشته از آنچه که بدان اشاره رفت، در طول این سال‌ها به دلیل درگیر بودن در کار تدریس در دانشگاه و انجام سفرهای مختلف به همراه دانشجویان، انجام بررسی‌های میدانی و پژوهش‌های باستانشناسی و مردم‌شناسی از جمله کاوش رصدخانه مراغه و مانند آنها نمی‌توانستم به طور مستمر

● من خوشحال خواهم شد اگر خوانندگان کتاب پر من منت بگذارند و اشکالات آن را به گونه‌ای مشخص و مورد به مورد با دلیل و سند برایم روشن بسازند. قول می‌دهم که تمامی نکات را با ذکر نام نویسنده در چاپ بعد بیاورم و از تمامی کسانی که نارسائی‌ها را مشخص ساخته‌اند سپاسگزاری کنم.

● شاید این نخستین بار باشد که یک کار سنگین در این مایه بدون کوچک‌ترین آگهی و تبلیغی به بازار آمده و تا امروز که هشت ماه از انتشار کتاب می‌گذرد حتی یک مورد آگهی هم برای جلب توجه مردم نه در سطح کشور و نه در شهر قزوین صورت نپذیرفته است.

فقط بر روی این مجموعه کار کنم. درگیری در فعالیت‌های سیاسی و آب‌خنک خوردن سه ساله در زندان به جرم بزرگ ملی‌گرایی و عضویت در دولت موقت و... نیز عوامل دیگری بود که کار انتشار مجموعه را به تأخیر انداخت.

● وجود کتاب مینو در قزوین - با توجه به تألیف آن در عصر حاضر - چه تأثیری در روند کار جنابعالی داشته است؟

○ لازم می‌دانم نخست مراتب احترام و سپس خود را نسبت به کوشش شادروان «گلریز» بیان بدارم. زنده‌یاد گلریز باشور و علاقه فراوان به گردآوری مطالب و تنظیم اثری پرداخت که به اعتبار آغازگر این کار، باید از او سپاسگزار بود. آن بسزوگوار با اینکه تحصیلات لازم را در زمینه تاریخ، باستانشناسی، مردم‌شناسی و... نداشت، با پشتکار و کوششی در خور و ذوقی فراوان توانست اثر قابل توجهی از خود باقی بگذارد. اهمیت کار شادروان گلریز از نظر من بیشتر مربوط به بخش‌هایی از کتاب است که اطلاعات زمان خود را جمع‌آوری و ثبت کرده است. شادروان گلریز برای دستیابی به برخی منابع اصلی از جمله «تدوین رافعی» تلاش فراوانی می‌کند که نشان‌دهنده روحیه جستجوگر او می‌باشد. تلاش قابل توجه او در زمینه مراجعه به منابع مختلف و تهیه برگه‌های بسیار درباره شاعران، دانشمندان، علمای مذهبی، رجال قزوین و... که در جلد دوم مینو درآمده روشن‌تر است که به اهمیت کار استخراج مطالب از متن‌های گوناگون به عنوان ماده خام جهت تنظیم و تدوین اثری متکی به منابع گسترده، توجه لازم را داشته است. بدون شک اگر او توفیق یافته بود تا برگه‌های فراوان جمع‌آوری شده را خود بازخوانی و تنظیم کند، یا حذف تکرارها و تقسیم‌بندی موضوعی و دادن زیرنویس‌های لازم می‌توانست جلد دوم را با ویژگی‌های متفاوتی نسبت به آنچه که انتشار یافته به جامعه اهل علم تقدیم بدارد. امید که روزی به همت پژوهشگری سخت‌کوش بتوان این اثر را ویراستاری و به چاپ مجدد رسانید من از مینو در کارم بهره بردم، به ویژه درباره آدرس بناهای تاریخی واقع در بخش‌های مختلف شهرستان قزوین در دهه چهل و استان امروز قزوین. آنچه که با بازدید از آنها و تهیه عکس، نقشه و یادداشت برداری در کتاب «سرزمین قزوین» - که به سال ۱۳۴۹ به چاپ رسید - آورده‌ام. اطلاعات جمع‌آوری شده بوسیله شادروان گلریز به ویژه درباره دوران مشروطیت به بعد نیز درباره سازمانهای دولتی و برخی رویدادها در تنظیم یکی دو

فصل از جلد سوم مورد استفاده قرار گرفت.

● به طور کلی آیا در تنظیم مطالب و عناوین از الگوی خاصی تبعیت می‌کردید؟

○ تصور می‌کنم با نگاهی به پیشگفتار کتاب، پاسخ به نسبت روشنی دریافت کنید. کوتاه سخن آنکه روش بررسی و پژوهش و نوشتن این مجموعه سه جلدی بر این اصل استوار بوده تا تصویری همه جانبه و تا حد امکان روشن و گویا از زندگی یک شهر در طول تاریخ به دست داده شود. بدون شک برای دستیابی به این هدف کوهی از مشکلات پیش‌رو قرار داشت که مهم‌ترین و اساسی‌ترین آن در دسترس نبودن مدارک و اسنادی بود که برای به تصویر کشاندن یک دوره طولانی هفده قرن می‌بایست در اختیار قرار می‌گرفت. کوشش من بر آن بود تا در این پژوهش بتوانم روند دگرگونی‌ها و زندگی قزوین را از جنبه‌های مختلف نشان بدهم و تنها به ذکر کلیاتی در زمینه جغرافیای تاریخی و معرفی آثار و بناهای موجود بسنده نکنم. توجه به ویژگی‌های فرهنگی، زندگی اجتماعی، سازمان حکومتی و ارگان‌های مختلف شهر در گذشته، موقعیت شهر در پیوند با رویدادهای تاریخی ایران در دوران‌های مختلف، نقش عواملی چون آیین و مذهب، کوشش‌های علمی و بسیاری از مسایل دیگر همه و همه نکاتی بودند که می‌توانستند در شفاف ساختن پیشینه و روند زندگی شهر یاری‌دهنده باشند که امید دارم با توجه به مجموعه شرایط و امکانات توانسته باشم تصویری مطلوب بدست بدهم.

● اثری که امروز پیش روی ماست تا چه اندازه با ایده‌آل ذهنی شما منطبق است؟

○ بین ایده‌آل و واقعیت در بسیاری از موارد می‌تواند فاصله زیادی وجود داشته باشد. من در مجموع با توجه به منابعی که توانستم فراچنگ بیاورم از آنچه که عرضه کرده‌ام راضی هستم. امید دارم در چاپ‌های بعد اگر عمری باقی بود با دستیابی به مدارک دیگر بتوانم برخی فصل‌ها را کامل‌تر بسازم و کاستی‌های کار را کاهش بدهم.

● از ایراداتی که به کتاب گرفته می‌شود وجود نوعی شتابزدگی در ساختار اثر و عدم پرداخت کافی به برخی موضوعات همچنین وجود اشکالات فراوان در بعضی از بخشها مانند فولکلور می‌باشد لطفاً در این مورد توضیح بفرمایید.

○ در قالب این کلی‌گویی‌ها هیچ پاسخی ندارم. به عبارت دیگر باید بگویم اینگونه برخورد با یک پژوهش علمی گسترده پاسخی نمی‌تواند داشته باشد. من در حالی که معتقدم انظوره که می‌خواستم به دلیل کمبود منابع و مدارک توانسته‌ام به همه چیز پاسخی جامع بدهم، در عین حال معتقدم که مجموعه سه جلدی موجود شاید به اعتباری یکی از معدودترین کارهایی باشد که تاکنون با برخورداری از جامعیت لازم درباره شهری از شهرهای ایران عرضه شده باشد. من خوشحال خواهم شد اگر خوانندگان کتاب بر من منت بگذارند و اشکالات آن را به گونه‌ای مشخص و مورد به مورد با دلیل و سند برآیم روشن بسازند. قول می‌دهم که تمامی نکات را با ذکر نام نویسنده در چاپ بعد بیاورم و از تمامی کسانی که ناراضی‌ها را مشخص ساخته‌اند سپاسگزاری کنم. تا امروز که حدود ۸ ماه از انتشار کتاب می‌گذرد هنوز یک سطر نیز کسی به صورت نقد و یا یادداشت به نویسنده درباره مشکلات کتاب چیزی ننوشته است. اگر نوشتند و درست بود به من لطف کرده‌اند و در تکمیل کار یاریم داده‌اند. من همیشه در تمامی کارهایم آماده بوده‌ام تا نقد معقول را بشنوم و از آن بهره بگیرم ولی در برابر، هیچگاه به کلی‌گویی‌ها و سخنان بی‌پایه و به دور از استدلال و منطق اعتنایی نداشته‌ام.

● گویا نوشتن بعضی وقایع و حقایق موجب ایجاد کنورت و دلخوری‌هایی گشته است لطفاً بفرمایید در نوشتن چنین آثاری دست نویسنده تا چه اندازه در بیان مطالب به ویژه آنجا که به معاصرین مربوط می‌شود باز است؟

○ پرسش خوبی است، فکر می‌کنم باید زمان آن فرارسیده باشد که فرزندان و نوادگان و بستگان

افرادی که در گذشته به ویژه گذشته‌های نزدیک می‌زیسته‌اند، به این باور برسند که طرح مسائل تاریخی و رویدادهای گذشته یک شهر و منطقه از اهمیتی بسیار فراتر از اعتبار اجتماعی یک فرد و خانواده برخوردار است. در چند سال اخیر حرکت قابل توجهی در زمینه انتشار خاطرات و یادداشت‌های روزانه شخصیت‌های مطرح در اواخر دوران قاجار و چند دهه دوران پهلوی صورت گرفته که بطور طبیعی موجبات رنجش بعضی‌ها را فراهم کرده است. به جز آن مواردی که کینه‌توزانه و برخلاف واقع نوشته شده که همیشه می‌توان به آنها پاسخ داد، در عمده موارد، طرح مسائلی که در این نوشته آمده، از نظر روشن ساختن شرایط پرتلاطم گذشته تاریخ ایران از اهمیت بالایی برخوردار هستند که نمی‌توان به دلیل ناخشنودی فرزند و نوه و نتیجه برخی افراد از عنوان کردن آنها خودداری کرد. در مورد زندگی یک شهر نیز در هر زمانی افرادی که حضور فعال در آن داشته‌اند دست به کارهایی زده‌اند که برخی از آنها سوال برانگیز و جنبه منفی داشته است حال اگر براساس مدارک و اسناد این کارها عرضه بشود نباید موجبات ناراحتی بازماندگان را فراهم آورد. هیچ‌کس نمی‌تواند و نباید کار جد و پدر بزرگ و پدری کسی را به حساب فرزندان و نوه و نتیجه او بگذارد. و یا در یک زمان شاعری درباره شخصیتی شعری سروده، این شعر یک سند است ولی هر سندی بیان‌کننده عین واقعیت نیست. بازماندگان آن فرد و یا دستداران آن خانواده می‌توانند با انتشار مطالبی توضیحی و تحلیلی موضوع را بشکافند و نشان دهند که به فرض سربانده از روی حسد و غرض چنین سروده درحالی که ویژگی‌های شخصیت مورد بحث اینچنین نبوده است. بنابراین اگر اصل را بر خوش آمد و یا خوش نیامدن افراد بگذاریم ناگزیر باید بسیاری از مطالب را نادیده بیانگاریم و با نقش آفرینی شخصیت‌های مختلف یک شهر در دوران‌های مختلف خود را آشنا نکنیم و رویدادها و مسایل سیاسی، اجتماعی اقتصادی و فرهنگی شهر را بدست فراموشی سپاریم که دور می‌بینم همگان بدین باور باشند.

● آیا غیربومی بودن شمارا با مشکلات خاصی روبرو ساخت؟

○ هم بله و هم خیر، بله به این دلیل که از آغاز همه خانواده‌ها و افراد مؤثر شهر را که می‌توانستند اطلاعات شفاهی و اسناد لازم را در اختیارم قرار دهند نمی‌شناختم. در طی این سال‌ها موارد بسیاری پیش آمد که وقتی با پی‌جویی مطلب دریافتم که در این مورد فلان شخص می‌تواند اطلاعات



● فکر می‌کنم باید زمان آن فرارسیده باشد که فرزندان و نوادگان بستگان افرادی که در گذشته به ویژه گذشته‌های نزدیک می‌زیسته‌اند، به این باور برسند که طرح مسائل تاریخی و رویدادهای گذشته یک شهر و منطقه از اهمیتی بسیار فراتر از اعتبار اجتماعی یک فرد و خانواده برخوردار است.

جامعی در اختیارم بگذارد، در نهایت تأسف شنیدم که دو یا چند ماه پیش درگذشته است. خیر به این دلیل که برخی از افراد و شخصیت‌های فرهنگی شهر با صمیمیت به من یاری دادند و کوشیدند تا در زمینه ایجاد ارتباط با آگاهان و در اختیار گذاردن اسناد مورد نظر کمک‌های مؤثری بدهند. من در مقدمه کتاب از برخی از این افراد چون استاد دکتر دبیرسیاتی، هنرمند ارجمند آقای محقق و پژوهشگر گرامی آقای سرهنگ یحیی شهیدی و بالاخره دوست گرانقدر و باصفایم آقای علی شهیدی شخصیت فرهنگی و صاحب اعتبار شهر که در تمامی سفرها من را همراهی کرده‌اند یاد کرده‌ام.

● **متأسفانه برخلاف انتظار و رویه مناسب - که این روزها نیز مورد استفاده قرار گرفته شده است - تبلیغات خوب و وسیعی از سوی ناشر برای این اثر عظیم در نظر گرفته نشد. همچنین در صورت ظاهری کتاب نیز اشکالات زیادی چون وجود اغلاط چاپی فراوان، صفحه‌پردازی نامناسب، کیفیت نامطلوب کاغذ و چاپ عکس‌ها به چشم می‌خورد لطفاً در این مورد توضیح بفرمایید.**

○ درباره مشکلات فنی چاپ کتاب و نبود تبلیغات باید اشاره کنم که از نظر حروف‌چینی و صفحه‌پردازی مشکل عمده‌ای وجود ندارد. آنچه که اشاره کردید بیشتر برمی‌گردد به کاغذ کتاب که کاغذ بسیار نامناسبی برای آن انتخاب شده و به شدت به کیفیت کار بویژه عکس‌ها لطمه زده است. با توجه به قدیمی بودن بیشتر عکس‌ها و مشکل اسکن و گزارر آنها و افت کیفیتشان، ایجاب می‌کرد تا با استفاده از کاغذ سفید و مرغوب تا حد فراوان بر کیفیت چاپ افزوده می‌گشت. درباره غلط‌های کتاب نظر درستی است با اینکه تصور می‌کنم عمده کتاب‌های من با غلط بسیار ناچیز به چاپ رسیده در این کتاب میزان غلط‌ها به نسبت قابل ملاحظه است که بیشتر برمی‌گردد به پرشمار بودن نام‌های مختلف و خاص و از سوی دیگر پر حجم بودن کار که در نتیجه برخی نادرستی‌ها از نظر نمونه‌خوان‌ها و غلط‌گیران دور مانده و امید دارم در چاپ دوم که تصور می‌کنم تا قبل از پایان سال صورت پذیرد همه آنها اصلاح شود. در مورد نبود تبلیغات از سوی ناشر محترم نظر شما درست است. شاید این نخستین بار باشد که یک کار سنگین در این مایه بدون کوچک‌ترین آگهی و تبلیغی به بازار آمده و تا امروز که هشت ماه از انتشار کتاب می‌گذرد حتی یک مورد آگهی هم برای جلب توجه مردم نه در سطح کشور و نه در شهر قزوین صورت نپذیرفته است. من پاسخ روشنی در این باره نداشتم؛ امید که ناشر گرامی توجه لازم را داشته باشند.

● **لطفاً در این بخش در مورد جلد چهارم کتابه موضوعات و عناوین دربرگیرنده آن صحبت بفرمایید و اینکه از لحاظ نگارش و فنی در چه مرحله‌ای قرار دارد؟**

○ در اینجا یادآور می‌شوم که جلد چهارم دربرگیرنده مجموعه وسیعی است در زمینه هسته نخستین بافت شهر قزوین در دوران ساسانی و سپس دگرگونی‌ها و تکوین این شهر در طول بیش از هفده قرن. کوشش شده تا به اعتبار بهره گرفتن از منابع گوناگون تاریخی و سفرنامه‌ها و اسناد دیگر، سیمای به نسبت روشنی از دوران‌های زندگی این شهر به دست داده شود. هر قدر منابع بیشتر و مستندتر و گویاتر بوده تصویر مربوط به آن دوران روشن‌تر است. در بین دوره‌های تاریخی شهر، بر روی دو دوران صفویه و قاجار به دلیل مدارک بیشتر، تأکید گردیده و کوشش شده تا اطلاعات وسیع‌تری در اختیار خوانندگان گذارده شود تا جایی که با پی‌گیری‌های وسیع این توفیق بدست آمده تا بخش مرکزی شهر در دوران صفویه با توجه به منابع و مدارک و اسناد مختلف بازسازی شود و گذشته از پلان، برای شناخت بیشتر نقشه مزبور به پرسپکتیو برده شود. در انجام این امر توفیق یافته‌ایم تا طرح جالبی از میدان بزرگ شهر که میدان نقش جهان امروز اصفهان براساس آن طرح‌ریزی شده است به

دست دهیم. دگرگونی‌های شهر در دوران قاجاریه، بویژه توجه چشم‌گیر به جنبه‌های بازرگانی آن در پیوند با تهران به عنوان پایتخت از یکسو و دیگر شهرها و مسیرهای عمده تجارتی کشور از سوی دیگر، بخش عمده‌ای از بررسی بافت شهر قزوین را تشکیل می‌دهد. دسترسی به تعدادی از عکس‌های دوران ناصرالدین شاه به بعد درباره قزوین برگویاتر ساختن این بحث افزوده است. در جلد چهارم تمامی آثار معماری تاریخی شهر همراه با نقشه، عکس و توضیح کامل معرفی شده است. در عمده موارد ویژگی‌های اصلی هر یک از گونه‌های آثار معماری معرفی شده مورد بحث قرار گرفته است. کوشش شده تا درباره گونه‌های مختلف آثار معماری با کاربردهای گوناگون تا آنجا که منابع نوشته و تصویری و بررسی آثار موجود اجازه می‌دهند، اطلاعات به نسبت جامعی به دست داده شود. از حصار و دروازه‌ها گرفته تا بیخچال‌ها، چاه‌ها، آب‌انبارها، بازارها، کاروانسراها، مسجدها، مدرسه‌ها، تکیه‌ها، حسینیه‌ها، امامزاده‌ها، آرامگاه‌ها، گورستان‌ها، خانه‌ها و سراها، قصرها، مهمانخانه‌ها و... همه و همه مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند و گذشته از اطلاعات معماری و باستانشناسی درباره وضع موجود آنها به یاری منابع تاریخی پیشینه و دگرگونی‌هایشان مورد گفتگو قرار گرفته است. در مجموعه این بررسی‌ها جنبه‌های هنری و تزئینات معماری آنها نیز مورد توجه قرار گرفته و ویژگی‌های کارهای کاشی‌کاری، گچ‌بری و آجرکاری، آئینه‌کاری، دیوارنگاره، بخاری و... نیز معرفی شده است. در این جلد سعی گردیده در زمینه هنرهای مختلف گذشته قزوین از نقاشی روی چوب و شیشه و آئینه گرفته تا کارهای ظریف چوبی، فلزکاری، سوزن‌دوزی‌ها و... نیز همراه با عکس سخن گفته شود. در این جلد حدود هشتاد سفرنامه به زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، ایتالیایی، آلمانی، روسی، اسپانیایی، ترکی، عثمانی و فارسی که نویسندگان آنها از قزوین گذشته و درباره این شهر سخن گفته‌اند چه ترجمه و یا متن اصلی مورد استفاده قرار گرفته و برخی نوشته‌های آنها درباره هر بنا در شرح آنها آورده شده و بقیه در یک فصل مستقل و مفصل زیر عنوان سیمای قزوین در آثار سفرنامه‌نویسان گنجانیده شده است. این فصل با سفرنامه‌ای از دهه اول قرن پانزدهم میلادی آغاز و تا دهه سوم قرن بیستم ادامه می‌یابد و در مجموع بیش از ۵ سده را دربرمی‌گیرد. به طور کلی جلد چهارم مجموعه‌ایست درباره بافت شهر، آثاری معماری به تفکیک نوع و کاربرد هنرها و مطالب وابسته به آنها همراه با نقشه‌های مختلف بصورت پلان، پرسپکتیو، نما و برشها و بالاخره عکس. شماری قابل توجه از عکس‌ها مربوط است به حدود دهه هفتم قرن سیزدهم به بعد که با تلاش فراوان از اینجا و آنجا گردآوری شده است. تصویر شمار فراوانی از بناهای قزوین که از دهه نخست قرن چهاردهم به بعد به نابودی و بی‌برهانه کشیده شده‌اند در این جلد آورده خواهد شد برخی از عکس‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند زیرا که در مرحله خیابان‌کشی‌های لطمه‌زننده به بافت دوران قاجار گرفته شده‌اند. من در همین جا لازم می‌دانم از تمامی خانواده‌های عزیز قزوینی تقاضا کنم که با نگاهی به آلبومهای خانوادگی و عکس‌های پراکنده‌ای که در گوشه و کنار خانه نهاده‌اند، اگر در میان آنها عکسی وجود دارد که حتی بخش کوچکی از فضای شهر و معماری آن را نشان می‌دهد اگر کیوسک قدیمی روزنامه‌فروشی در آن هست، اگر نیمکت قدیمی داخل سبزه میدان است، اگر سقادر حال آب‌پاشی خیابان خاکی است و... محبت کنند من را از وجود آنها آگاه سازند. زیرا اگر بتوان همه آنها را به مناسبت موضوع در این کتاب گردآوری کرد مجموعه گرانقدری خواهد شد که می‌توان از آن به عنوان شناسنامه تصویری شهر یاد کرد. بیش از چند دهه است که از ویرانی دروازه‌های زیبای قزوین، حصار و خندق شهر می‌گذرد. بسیاری از مردان و زنان ۶۵ ساله قزوینی هیچ خاطره‌ای از آنها ندارند. اگر بتوان تصویری از آنها بدست داد مردم شهر با هویت زادگاه خود ارتباط تنگاتنگ تری برقرار خواهند کرد. امید که به این درخواست من پاسخ مثبت داده شود و در چند ماه مانده به شروع کار چاپ جلد چهارم علاقه‌مندان و دارندگان این عکس‌ها با من تماس بگیرند

تا ترتیب استفاده از آنها داده شود.

● گویا قرار است جلد پنجمی هم به این مجموعه افزوده شود لطفاً در مورد فهرست‌ها و عنوان‌های موجود در آن جلد نیز توضیحاتی بفرمایید؟

○ من برای نخستین بار است که در یک نوشته به این امر اشاره می‌کنم. آری با وجود مشکلات فراوان کار به ربه در زمینه دسترسی به مدارک و منابع مختلف و نیاز به یاری گرفتن از آرشوها و بایگانی‌های گوناگون و مراجعه به روزنامه‌های پرشمار و سالنامه‌ها و انتشارات بعضی از سازمانهای دولتی و دستیابی به خاطرات نوشته شده و منتشر نشده جمعی از شخصیت‌ها و دست‌اندرکاران شهر که هر یک گرناری فراوانی را برای پژوهشگر و نویسنده بوجود می‌آورد و دست‌کم باید چند فرد با علاقه به عنوان دستیار تحقیق و جمع‌آوری کننده او را یاری بدهند، از سال‌ها قبل بر آن بودم که جلدی را به ریبادهای دوران پرتلاطم قزوین در زمان پهلوی اختصاص بدهم. در طی سالیان درازی که مشغول جمع‌آوری مطالب این چهار جلد بوده‌ام در گوشه و کنار به برخی از مدارک مورد اشاره دست یافته‌ام که به کنار گذارده‌ام تا زمانی که کار جلد چهارم به پایان رسید، در صورت دریافت قول همکاری واقعی سازمان‌های مختلف دولتی در بهره جستن از مدارک و اسناد آنها در پیوند با شهر قزوین و فراهم گشتن امکانات لازم برای استفاده از همکاری یک گروه پژوهشی، با برنامه‌ریزی به این کار بپردازم. باشد که مجموعه کنونی را تکمیل بگردانم. بنابراین اگر تا چند ماه دیگر که کار جلد چهارم پایان خواهد یافت، به یاری یزدان پاک از شرایط سلامتی مناسبی برخوردار بودم و یا اقبال لازم از سوی هموطنان قزوینی مواجه گشتم، امید دارم که کار جمع‌آوری را با همکاری مشاوران و دستیاران علاقه‌مند و جوان آغاز کنم. من برای این جلد به ویژه دوران اشغال ایران در جنگ جهانی دوم اهمیت فراوان قائل هستم و علاقه دارم تا شرایط لازم برای پرداختن به آن فراهم بگردد. از اینرو از هم‌اکنون به همه خانواده‌های عزیز شهر قزوین، بویژه کسانی که خود یا پدر و نزدیکانشان در دوران پهلوی دست‌اندرکار فعالیت‌های سیاسی، اداری، اقتصادی و فرهنگی در شهر بوده‌اند یا در این زمینه‌ها آگاهی لازم دارند، عکس و سندهای مختلف در اختیار دارند تقاضا دارم تا من را در جریان قرار دهند. باشد که به توان هر چه زودتر گروه تحقیق و جمع‌آوری را تشکیل دهم به این مهم پرداخت.

● در پایان اگر تصور می‌کنید مطلبی ناگفته مانده لطفاً به آن بپردازید؟

○ تصور می‌کنم به همه آنچه که لازم بود پرداخته شد، تنها شما به دلیل قزوینی بودن و مشکلاتی که می‌تواند برایتان بوجود آید به مطلبی اشاره نکردید که من به دلیل قزوینی نبودنم می‌خواهم به آن بپردازم. در همین جا باید بگویم بسیاری از کسانی که این مجموعه را دیده‌اند ضمن تماس با من درباره پیوند خانوادگی‌ام با قزوین پرسیده‌اند که گفته‌ام نه پدرانم و نه خودم زاده خاک پاک قزوین نیستم. ولی به عنوان یک ایرانی خود را فرزند ایران زمین می‌دانم و با تمامی وجود با همه باشندگان این مرز و بوم چه آذربایجانی، چه کردستانی، چه بلوچ، چه کرمانی، چه اصفهانی چه لرستانی و چه قزوینی و چه هر ناحیه دیگری از میهن بزرگ و فرهنگ پرور ایران احساس بسنگی، و یکی بودن می‌کنم. به عنوان یک ایرانی همه جای ایران سرای من است و در هیچ کجای این سرزمین گسترده احساس غربت نکرده و نمی‌کنم و همانقدر خود را ارادتمند و غمخوار و خدمتگزار مردم گوشه گوشه این سرزمین می‌دانم. نوشته‌هایم به صورت کتاب و مقاله گویای آنست که طی ۵۰ سال قلم زدن - از پانزده سالگی - با شور و عشق به جای جای این سرای بزرگ نگریده‌ام و در هر گوشه‌ای که پای گذارده‌ام با مردمش احساس انس کرده‌ام و به یاری زبان مشترمکمان در دورترین روستاها چه در دل دشت و چه کوهستان و چه جنگل و چه کویر به راحتی ارتباطی صمیمی برقرار ساخته‌ام. با این مقدمه لازم می‌دانم به کوتاهی مطلبم را بگویم و سخن را پایان برم. چنانکه در مقدمه خود کتاب و دو سه گفتگویی که تا به حال

درباره آن یا من انجام شده یادآور شده‌ام، در مدت زمانی که درگیر این پژوهش بوده‌ام جز در دو سه مورد هیچ‌گاه از سازمان‌های اداری و مقام‌های مسئول شهر کوچک‌ترین همکاری و یاری ندیده‌ام. ولی تصور این بود که بعد انتشار کتاب شرایط تغییر کند و دست‌کم به عنوان تعارف و پوزش از کوتاهی‌های گذشته، بر کرسی نشستگان نکانی بخورند و ابراز علاقه‌ای بکنند. اقدامی که نه برای من بلکه برای پژوهشگران جوان و باعلاقه می‌تواند چراغ سبزی باشد که با پشتکار این راه را پی جویند. من به شهادت تمامی دوران زندگیم هیچ‌گاه از هیچ صاحب قدرت و میزبانی انتظاری نداشته‌ام و به خوش‌آمد و بدآمد آنها در هر موضعی که بوده‌اند اعتنائی نکرده‌ام. با جرأت پای به زندانها گذارده‌ام و همه زجر و فشارها را تحمل کرده‌ام و از یک نفر تمنا و تقاضا نکرده‌ام و این آرزو را بر دل قدرتمندان گذارده‌ام. بنابراین اگر بعد از انتشار این کتاب بنا بر وظیفه‌ای که بر عهده داشتند مقام‌های سیاسی و فرهنگی شهر جلسه یا جلساتی برپا می‌کردند تادرباره این کار سخن گفته شود بدون شک بهره‌ای عاید من نمی‌گشت و اعتباری خاص به من نمی‌داد؛ ولی در سطح شهر و استان این بازتاب را داشت که مقام‌های استان به امر پژوهش مربوط به استان در زمینه‌های مختلف ارجح می‌نهند و آماده‌اند تا پژوهشگرانی را که درباره مسایل مختلف استان به کار می‌پردازند یاری دهند و از هر طرح مناسبی استقبال کنند. آنچه بیشتر در این زمینه سؤال برانگیز به نظر می‌رسد، بی‌تفاوتی دانشگاه شهر است که عنوان بین‌المللی را نیز یدک می‌کشد. من این مطلب را عنوان ساختم تا توجه بدهم که چقدر دانشگاه‌ها با پدیده پژوهش بیگانه‌اند. تا جایی که نه فقط خود عامل مؤثری برای انجام پژوهش‌های مختلف بشمار نمی‌آیند که در سطح تشکیل و برپایی سمینار و جلسه نقد و بحث نیز چنانکه وظیفه آنها می‌باشد فعال نیستند بهرحال امیدوارم آنچه که به آن اشاره رفت موجبات رنجش و موضع‌گیری مقام‌های استان را فراهم نیاورد بلکه سبب گردد تا از کاری که از روزمره‌گی و کارهای «بوروکراسی» دور خود تنیده‌اند بیرون آیند و به تقویت فضای فعالیت‌های فرهنگی در سطح شهر و انسان توجه کنند و از فرصت‌ها و مناسبت‌های مختلف برای توانمند ساختن کوشش‌های فرهنگی و علاقه‌مند ساختن مردم استان بویژه نیروهای جوان دانش‌آموز و دانشجو به شناخت گسترده استان و شهر خویش از ابعاد مختلف بهره جویند، باشد که با افزون ساختن سطح آگاهی مردم و توجه دادن آنها به ارزش‌های فرهنگی زادگاه خود، شرایطی پدید آید تا نیروی انسانی توانمندتری با بینش مطلوب در خدمت اجرای طرح‌های پیشرفت و توسعه همه‌جانبه استان قرار گیرد و تحولی چشم‌گیر را در آبادانی و رونق این خطه از ایران زمین شاهد باشیم.

○ با سپاس از جناب دکتر ورجاوند که وقت خود را به این گفت و شنود اختصاص دادند.

پایز سال ۱۳۷۸

قابل توجه خوانندگان محترم

- در قسمت سوم مصاحبه با انیس بانور، در کلک شماره ۱۰۶، موارد غلط چاپی را به شرح زیر متذکر می‌شویم:
۱. صفحه ۸۶ (ستون اول، سطر ششم، عبارت «شاعران منطقه‌ی مدیرانه احاطه‌ام کرده‌اند» صحیح است.
 ۲. صفحه ۸۷ متن وسط صفحه، عبارت «گمان نمی‌کنم ریشه‌ی این ناسازگاری در مسائل اجتماعی باشد» صحیح است.
 ۳. صفحه ۸۸ ستون دوم، سطر دوم، عبارت «گمان نمی‌کنم ریشه‌ی این ناسازگاری در مسائل اجتماعی باشد» صحیح است.